

حج و سفرنامه‌های دوره قاجار^۱

التون. ال. دانیل

ترجمه: صفورا فضل‌اللهی

با به قدرت رسیدن صفویان و تبدیل ایران به شیعه اثنی‌عشری و بروز دشمنی میان صفویان و عثمانیان نیروهای بی‌شماری آمادگی داشتند تا کانون زیارت‌ها و سفرهای مذهبی ایرانیان مسلمان را جابه‌جا کرده زائران را جذب زیارتگاه‌های شیعه‌ای کنند که هم‌چون مرقد امام رضا در داخل ایران (مشهد) بودند و یا مانند عتبات عراق (نجف، کربلا، کاظمین و سامرا) در نزدیکی قلمرو ایران قرار داشتند. با این حال مناسک حج هنوز نقش پررنگی در زندگی مذهبی ایرانیان داشت، چنان‌چه سفرنامه‌های حج در دوره قاجار معرف تغییرات شگفتی هستند که در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فنون آن روزگار دیده می‌شود. حج‌نامه‌های بسیاری از دوره قاجار باقی مانده که در این مقاله مجال پرداختن به همگی آنها را نداریم اما دلایل بسیاری وجود دارد که ثابت می‌کند حج‌نامه‌ها از جهت‌های بسیاری منافع فراوانی داشته‌اند. تقریباً در تمام دوره قاجار، امپراتوری عثمانی متولی اماکن مقدس عربستان بود و در انجام این وظیفه بسیار می‌کوشید. حکومت عثمانی همواره به اداره مراسم حج می‌پرداخت و همه توجهش صرف جزئیات زیاد برگزاری و تنظیم امور زائران می‌گشت. از این‌رو بایگانی‌های امور دیپلماتیک، اقتصادی و داخلی‌اش شامل اسناد بسیاری است که مربوط به سفر حج می‌شوند. اما مشخص نیست چقدر این اسناد می‌توانند جهت مطالعه دوره قاجار اهمیت داشته باشند.^۲ عثمانی‌ها در قرن ۱۹ میلادی گاه‌گاهی سالنامه‌های آماری

1. Elton L. Daniel, The Hajj and Qajar Travel Literature

۲ - نمونه تازه و متأخری از اهمیت اسناد عثمانی جهت مطالعات ایرانی:
The treaties of Erzerum (1823 and 1848)

تغییر منزلت ایرانیان در امپراتوری عثمانی:

برای ایالت‌های مختلف این امپراتوری منتشر می‌کردند، برخی از این سالنامه‌ها که برای *وادی حجاز* منتشر می‌شدند حاوی اطلاعات جالبی هم‌چون تعداد زائران بودند اما ارزش چندانی جهت بررسی زائران ایرانی دوره قاجار ندارند. هم‌چنین کتاب‌های بسیاری درباره سفر حج وجود داشت که طی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی نوشته شده بودند.^۱ از این میان دو کتاب از دیگران برجسته‌تر بودند یکی به نام *مرعات الحرمین نوشته ایوب صبری پاشا* (۱۸۸۶م/۱۳۰۴ه.ق) و *ابراهیم رفعت پاشا* (۱۹۲۵م/۱۳۴۴ه.ق) که مأموران اداره مراسم حج بودند، و دیگری به نام *الرحلة الحجازیه* (۱۹۱۱م/۱۳۲۹ه.ق) که اثر محمد *لبیب بتانونی* بود.^۲ هیچ‌یک از این آثار جاذبه چندانی نزد زائران ایرانی نداشتند و چندان نیز به کار این مقاله نمی‌آیند. در اثر مفید و جالب دیگری که توسط کنسول ایران در جده نوشته شده بود نویسنده بیشتر از آنکه به زائران ایرانی و اهمیت مراسم حج نزد آنها بپردازد علاقمند بررسی و ثبت ویژگی‌ها و مراسم حج بوده است.^۳ البته ممکن است اسناد مستند و مناسبی در ایران موجود باشند اما آنها نیز همانند اسناد عثمانی به‌طور منظم بررسی نشده‌اند و با توجه به کمبود اسناد آرشیوی دوره قاجار جای تردید است که چندان مفید باشند. از جمله منابعی که هم دسترسی به آنها تقریباً آسان است و هم بی‌نهایت آموزنده و مفیدند و مستقیماً به مطالعه و بررسی حج در دوره قاجار می‌پردازند باید از سفرنامه‌هایی نام برد که به دست زائران بسیاری نوشته شده که در دوران قاجار به مکه سفر کرده بودند. این سفرنامه‌ها حاصل تجربیات و مشاهدات مؤلفانی است که در حال انجام فریضه بزرگ مذهبی حج بوده‌اند و مملو از اطلاعات جالبی درباره حج و اهمیت

Iranian studies 24 (1997): 3- 15.

جهت مطالعات عمومی درباره حج و اهمیت تاریخی آن نگاه کنید به:

Naimur Rahman Farooqi, *Mughal- Ottoman Relations: a study of political and diplomatic relations between Mughal India and the Ottoman empire, 1556-1748* (Delhi, 1989); Suraiya Faroghi, *Herrscher uber mekka: die Geschichate der pilgerfahrt* (Munich, 1990); Idem, *pilgrims and sultans: the Hajj under the Ottomans, 1517-1683* (London and New York, 1994); Alan Rush, ed., *records of the Hajj: a documentary history of the pilgrimage to Mecca* (Slough, U.K. 1995); Ian Netton, Ed., *golden roads: migration, pilgrimage and travel in mediaeval and modern Islam* (Richmond, U.K., 1993); Jacob M. Landau, *the Hejaz railway and Muslim pilgrimage : a case of ottoman political propaganda* (Detroit, 1971); Karl Barbir, *ottoman rule in Damascus, 1708-1758* (Princeton, 1980); Michael Wolfe, ed., *one thousand roads to Mecca: ten centuries of travellers writing about the Muslim pilgrimage* (New York, 1997); Abd-al-Majid Turki, *recits de peleriage a la Mekke: Etude analytique* (Paris, 1979); F. E. Peters, *the hajj: the Muslim pilgrimage to Mecca and holy places* (Princeton, 1994); Michael Pearson, *pilgrimage to Mecca: the Indian experience, 1600- 1800* (Princeton, 1996).

1 - E.g., *the sāl-nāma-ye dawlat-e ālī-e osmāniya* (Istanbul, 1302-3/1885-86); *Hejāz velāyatī sāl-nāmasī* (Mecca, 1303/1886).

2 - Ayyūb Sabrī Pasha, *Merāt al-haramayn* (Constantinople, 1301-6/1883-1888); Ebrāhīm Refat Pasha, *Merāt al-haramayn* (Cairo, 1344/1925); Mohammad Labīb Batānūnī, *al-Rehla al-hejāzīya* (Cairo, 1329/1911).

3 - Hoseyn Kazem Zadeh, *Relation d'un pèlerinage á la Mecque en 1910-1911* (Paris, 1912).

تاریخی‌اش در *ایران* رو به تجدد هستند. قبل از تشریح این سفرنامه‌ها و ذکر ویژگی‌ها و نکاتی که ممکن است از آنها به‌دست آمده باشد، بد نیست تا درباره ماهیت و کاربرد این منابع هم صحبت کنیم. سفرنامه‌ها در هر فرهنگ و هر دوره تاریخی متداول هستند و پژوهشگران حوزه‌های بسیاری به ارزش تاریخی سفرنامه‌ها برای تحقیقات تاریخی پی برده‌اند.^۱ مثلاً در طی دوران *امپریالیسم* خوانندگان اروپایی رغبت بی‌پایانی به خواندن سفرنامه‌ها داشته‌اند به‌خصوص سفرنامه‌هایی که به اکتشاف درون *آسیا* و *آفریقا* می‌پرداخت و نقطه مقابل سفرنامه‌های دریایی بودند که در آغاز طرفداران بیشتری داشتند.^۲ به تازگی چندین محقق متوجه شده‌اند که این نوع ادبیات (سفرنامه‌ها) انطباق تنگاتنگی با سیاست‌های *امپریالیسم* داشته است، نخست با القای این حس که *اروپا* یا غرب از دیگر نقاط جهان بسیار متفاوت است و سپس به وسیله نمایش و توصیف مناطق غیراروپایی سعی می‌کند تسلط اروپا، مستعمره‌سازی یا استثمار را توجیه کند.^۳ هر فردی که با مطالعات *خاورمیانه* در دوران تجدد آشنا باشد به حتم نمونه‌های بسیاری از این گونه ادبیات می‌شناسد که از اثر خستگی‌ناپذیر *چارلز داوتی* (Charles Doughty) تا کتاب *شگفت‌انگیز الا سایکس* (Ella Sykes) را در برمی‌گیرد.^۴

البته این سفرنامه‌ها فقط در اروپای قرن نوزدهم محبوبیت روزافزون نداشت و از جهات بسیاری پدیده‌ای

۱- جهت بحث نظری نگاه کنید به:

Mary Louise Pratt, *Imperial Eyes: travel writing and Transculturation* (London, 1992) and Stephen Clark, ed., *travel writing and empire* (London, 1999). B. J. Tewiel, *through traveller's eyes: an approach to early nineteenth century Thai history* (Bangkok, 1989); John Ashmead, *the idea of Japan, 1853-1895: Japan as Described by American and other travellers from the West* (New York, 1987); Charles Batten, *pleasurable instruction: form and convention in eighteenth-century travel literature* (Berkeley, 1978); Reinhold Schiffer, *Turkey romanticized: image of the Turks in early nineteenth century English travel literature* (Bochum, 1982); Dorothy Hammond, *the Africa that never was* (London, 1970), Indira Ghose, *women travellers in colonial India* (Delhi, 1998).

۲- نگاه کنید به اثر ارزشمند و پیشگام:

Michiel Braaksma, *travel and literature: an attempt at a literary appreciation of English travel-books about Persia* (Groningen, 1938); Pratt, *imperial eyes*. 9.

3- Braaksma, *travel and literature*, 7-8. Pratt, *imperial eyes*.

4 - Charles. M. Doughty, *travels in Arabia deserts*, 2 Vols (Cambridge, 1888); Ella C. Sykes, *through Persia on a side-Saddle* (London, 1898, 2nd ed., 1901).

جهت فهرست کاملی از سفرنامه‌ها نگاه کنید به: محمد حسن گنجی، *فهرست مقالات جغرافیایی* (تهران، ۱۳۴۱)، محمد تقی پوراحمد جکتاجی، *فهرست توصیفی سفرنامه‌های انگلیسی موجود در کتابخانه ملی ایران* (تهران، ۱۳۵۵)، *فهرست توصیفی سفرنامه‌های فرانسوی موجود در کتابخانه ملی ایران* (تهران، ۱۳۵۵)، ماکوتو هاچی یوشی، *کتاب‌شناسی در زمینه تاریخ، جغرافیا و قوم‌نگاری محلی ایران از شروع چاپ‌سنجی تا سال ۱۳۷۳ ه.ق* (توکیو، ۱۹۹۷)، محمد صادق همایون‌فرد، *فهرست توصیفی سفرنامه‌ها و کتاب‌های روسی موجود در کتابخانه ملی ایران* (تهران، ۱۳۶۲)، ابولقاسم سبحان، *فرهنگ خاورشناسان: شرح حال و خدمات دانشمندان ایران‌شناس و مستشرقین* (تهران، ۱۳۵۶).

جهانی محسوب می‌شد. بی‌تردید این ژانر ادبی که با نام سفرنامه شناخته می‌شود در دوران قاجار بسیار بالید و تا حدودی در مقایسه با افزایش سرسام‌آور سفرنامه‌ها در اروپای آن روزگار فواید خیره‌کننده‌ای به بار آورد. احمد منزوی در فهرست نسخ فارسی ۲۷۰ اثر را به عنوان سفرنامه طبقه‌بندی کرده است.^۱ از این تعداد فقط ۴۹ اثر مربوط به دوره قاجار نیستند (یک‌چهارم آثار متعلق به قبل از دوره قاجار، یعنی تیموری، صفوی و اثر کلاسیک ناصر خسرو هستند و بقیه سفرنامه‌هایی‌اند که هندی‌ها به زبان فارسی نوشته‌اند). از آثار دوره قاجار ۷۵ اثر شرح سفرهای داخل ایران هستند، ۶۴ اثر درباره مسافرت به خاورمیانه (۲۰ سفر به مکه، ۱۰ سفر به عتبات و ۳۴ سفرنامه به هند، آسیای مرکزی و غیره)، ۶۴ ترجمه از سفرنامه‌هایی که به زبان اروپایی نوشته شده‌اند و ۲۶ سفرنامه از ایرانیانی که به اروپا سفر کرده بودند. تعداد و کثرت این متون از دامنه متنوع منافع فرهنگی حکایت می‌کند که شاید قصد این متون نیز دستیابی به آنها بوده است.

تا این لحظه بیشترین توجه از آن سفرنامه مسافرائی بوده که طی دوره قاجار به اروپا سفر کردند آثار کسانی چون ناصرالدین‌شاه، حاجی سیاح،^۲ حاجی پیرزاده و دیگران. این آثار که نوشته‌های مهم و جالبی هستند در حکم نمونه‌های ایرانی پدیده بین‌فرهنگی (Transculturation) هستند که جریان است که به وسیله آن مردمان حاشیه‌نشین نظام جهانی با قدرت مرکزی ارتباط برقرار کرده و تصمیم به تغییر گستره‌هایی می‌گیرند که جذب آن شده‌اند.^۳ با این وجود پدیده بین‌فرهنگی باید با توجه به داده‌ها و اطلاعات پیشین بررسی شود زیرا این آثار به سختی ده درصد از کل سفرنامه‌هایی را تشکیل می‌دهند که در دوره قاجار نوشته شده‌اند و از این رو نباید به خاطر تعداد اندک‌شان چنین نتیجه گرفت که اهمیت چندانی ندارند.

با توجه به عناوین سفرنامه‌ها، روشن است که این آثار بیشتر شرح و روایت مسافرائی هستند که داخل ایران و یا به سرزمین‌های نزدیک ایران هم‌چون هند، آسیای مرکزی یا امپراتوری عثمانی و نه اقلیم‌های ناآشنا و دور دست سفر کرده بودند.^۴ نمونه‌های بی‌شماری از این کتاب‌ها هنوز دست‌نویس هستند، منتشر

۱ - احمد منزوی، فهرست نسخ خطی فارسی، ۶ جلد (تهران، ۱۳۵۳) ۳۹۹۱ تا ۴۰۵۷. احمد منزوی، فهرست‌واره کتاب‌های فارسی، ۳ جلد (تهران، ۱۳۷۴) ۱: ۶۱، ۱۵۸.

۲ - محمد علی سیاح، سفرنامه حاجی سیاح به فرنگ، تصحیح علی دهباشی (تهران، ۱۳۶۳)
Tr. Mehrbanoo Deyhim as an Iranian in nineteenth century Europe: the travel Diaries of Haj Sayyah 1859-1877 (Bethesda, Md. 1998).

3- Pratt, imperial eyes. 6-7.

۴ - جالب اینجاست که این وضعیت در مورد دو تن از شاهان ایران، ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه، هم صدق می‌کند که هر دو علاقه بسیار داشتند که به فرنگ سفر کنند. آنها هیچ‌یک به سفر حج نرفتند و فقط ناصرالدین‌شاه به دیدار زیارتگاه‌های شیعه در عراق رفت و دو سفرنامه عتبات به سیاق حج‌نامه‌ها نوشت. هم‌چنین سفرنامه‌هایی نیز از او باقی مانده که شرح سفرهایش به خراسان، مازندران، قم و اروپاست. مظفرالدین‌شاه نیز در روزگار ولیعهدی‌اش به آذربایجان و اطراف آن سفر کرد و بعد از تاج‌گذاری نیز به اروپا رفت. سفرنامه مراغه، سفرنامه خوی، روزنامه وقایع سفر مغان، سفرنامه قراچه‌داغ، سفرنامه تهران و سفرنامه فرنگستان از آثار اوست. نگاه کنید به: منزوی، فهرست‌واره، ۱: ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۴.

یا بررسی نشده و اغلب از یاد رفته‌اند. این سفرنامه‌ها نیز هم‌چون سفرنامه‌های اروپا می‌توانند نکات بسیاری درباره تغییرات و دگرگونی‌هایی که به هنگام تولد/ایران مدرن رخ داد و هم‌چنین هویت ایرانیان به ما بیاموزند. این آثار به‌خصوص هم‌نشان‌دهنده نگرش قاجار به ایران به عنوان هویتی ملی هستند و هم برخورد حکومت قاجار را نسبت به مسئله ایران در منطقه و فراتر از آن در درون مرزهای اسلامی و غیراسلامی نشان می‌دهد. به همین سبب باید به سراغ تمامی گزارش‌ها و سفرنامه‌های مختلفی برویم که از سفرهای زیارتی ایرانیان به مکه در دوره قاجار در دست داریم. در فهرست زیر با نمونه‌های اصلی سفرنامه‌های زیارتی ایرانیان و حج‌نامه‌های دوره قاجار آشنا می‌شویم:

- ۱- محمد ولی میرزا قاجارالدوله، سفرنامه مکه (۱۷۹۲م/ حدود ۱۲۰۶ه.ق).
- ۲- میرزا جلایر، سفرنامه منظوم (۱۸۳۳-۳۴م/ در حدود ۱۲۵۰ه.ق).
- ۳- حاج میرزا علی خان اعتمادالسلطنه، سفرنامه مکه (۱۸۴۷م/ ۱۲۶۳ه.ق).
- ۴- میرزا محمد علی فراهانی حسینی، سفرنامه مکه (۱۸۴۸م/ ۱۲۶۳ه.ق).
- ۵- سلطان محمد سیف‌الدوله، سفرنامه مکه (۱۸۶۴م/ ۱۲۷۹ه.ق).
- ۶- ناشناس، سفرنامه مکه (۱۸۷۲م/ ۱۲۸۸ه.ق).

۱- این فهرست براساس فهرست منزوی تنظیم شده است. متنها برخی از آثار مؤلفان هندی که به زبان فارسی نوشته شده‌اند همچون خیراط علی در این فهرست گنجانده نشده‌اند. تعدادی از سفرنامه‌هایی که در منابع متعدد کتاب‌شناسی به آنها اشاره شده اما دیگر ظاهراً موجود نیستند نیز از این فهرست حذف شده‌اند. همه این سفرنامه‌ها جهت مطالعه در دسترس نیستند برخی از آنها هنوز دست‌نویس هستند و نویسنده مقاله نیز به آنها دسترسی نداشته است.

- ۲- نسخه دست‌نویس تهران، کتابخانه سپهسالار، ۲: ۲۸۰۷ (منزوی، فهرست، ۴۰۳۲، شماره ۴۱۷۱۵). مؤلف پسر خان محمد خان و یکی از ژنرال‌های مهم آقا محمد شاه بود. او در حدود سال ۱۷۹۹م/ ۱۲۱۳ه.ق درگذشت.
- ۳- نسخه دست‌نویس تهران، کتابخانه ملی، ۸۳۷، این سفرنامه مقفی یکی از انواع ادبی سنتی برای توصیف زیارت است. این اثر به محمد شاه تقدیم شده است. درباره مؤلف اثر اطلاعات چندانی نداریم. او از طریق عتبات و از راه زمینی به سفر زیارتی مکه رفت.
- ۴- نسخه دست‌نویس مشهد، آستان قدس رضوی، ۵۳، مؤلف پدر یکی از مقامات عالی‌رتبه و اندیشمند قاجار محمد حسن خان اعتمادالسلطنه (صنیع‌الدوله) بود و این سفرنامه را به خواهش پسرش نوشت.
- ۵- نسخه دست‌نویس تهران، کتابخانه مجلس، ۲۳۱۰، نویسنده ملک‌الکتاب ارشد، پدر محمد حسین خان فراهانی بود. او از راه زمینی و از طریق بغداد و دمشق به سفر مکه رفت.
- ۶- سلطان محمد سیف‌الدوله، سفرنامه مکه، تصحیح علی‌اکبر خداپرست (تهران ۱۳۶۴). سیف‌الدوله اشراف‌زاده‌ای قجری بود که گفته می‌شود سی و هشتمین پسر فتح‌علی‌شاه بوده است. این سفرنامه قدیمی‌ترین حج‌نامه دوره قاجار محسوب می‌شود که اکنون نسخه تصحیح شده‌ای از آن داریم. علاوه بر آن سفرنامه سیف‌الدوله اثری درخور توجه‌ای است چرا که بازتابی از شخصیت مؤلفی است دماغ و بی‌حوصله که مردم‌گریز تمام عباری نیز بوده است.
- ۷- نسخه دست‌نویس تهران، ملی، ۷۷۶. نویسنده شناخته نشده اما یکی از ملازمان ناصرالدین‌شاه بوده است. او از راه کوهستان (یا بیابان) به سفر مکه رفت و هفتم ذی‌القعدة ۱۲۸۸ه.ق/ ۱۸ ژانویه ۱۸۷۲م نجف را ترک کرد. به رغم اینکه اثر، متن جالبی است چون نویسنده راه غیر معمولی را برای سفرش برگزیده بود این نسخه هنوز منتشر

- ۷- فرهاد میرزا معتمدالدوله، *هدایت‌السبیل و کفایت‌الدلیل* (۱۸۷۵/م/۱۲۹۲.ق).^۱
- ۸- ناشناس، *سفرنامه مکّه* (۱۸۷۹/م/۱۲۹۶.ق).^۲
- ۹- سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه، *دلیل‌الانعام فی سبیل زیارت بیت‌الله‌الحرام* (۱۸۸۰/م/۱۲۹۷.ق).^۳
- ۱۰- محمد ابراهیم مشتری خراسانی *حسام‌الشعرا، سفرنامه منظوم* (۱۸۸۳/م/۱۳۰۰.ق).^۴
- ۱۱- محمد حسین فراهانی، *سفرنامه مکّه* (۱۸۸۵-۸۶/م/۱۳۰۲.ق).^۵
- ۱۲- حاجی پیرزاده، *سفرنامه* (۱۸۸۶/م/۱۳۰۳.ق).^۶
- ۱۳- محمد معصوم علیشاه نایب‌الصدر شیرازی، *تحفة الحرمین* (۱۸۸۹/م/۱۳۰۶.ق).^۷
- ۱۴- محمد حسین همدانی، *سفرنامه مکّه* (۱۸۹۰/م/۱۳۰۷.ق).^۸

نشده است.

- ۱- فرهاد میرزا معتمدالدوله، *هدایت‌السبیل* (شیراز ۱۲۹۴.ق/۱۸۷۷.م)، به تصحیح اسماعیل نواب با عنوان *سفرنامه فرهاد میرزا* (تهران، ۱۳۶۶.ش/۱۹۸۷.م). نویسنده پسر عباس میرزا و عموی ناصرالدین‌شاه از مقامات عالی‌رتبه و نامی دوره قاجار که به سبب توانایی و ذوق ادبی‌اش و سیاست‌های فوق‌العاده محافظه‌کارانه‌اش مشهور بود. *سفرنامه فرهاد میرزا* آشکارا به الگویی برای بسیاری از سفرنامه‌های هم‌عصرش همچون *سفرنامه فراهانی* تبدیل گشت.
- ۲- نسخه دست‌نویس تهران، ملی، ۸۶۵. این متن روایتی به قلم یکی از مقامات ناشناس دربار ناصرالدین‌شاه است. او از راه بغداد، هرمز، جبل‌العامل و نجف به سفر زیارتی مکّه رفت. وی دوم شعبان ۱۲۹۶.ق/۲۱ جولای ۱۸۷۹م تهران را ترک کرد و ۱۱ جمادی ۱۲۹۷/می ۱۸۸۰م دوباره وارد تهران شد.
- ۳- نسخه دست‌نویس تهران، ملک، ۱۳۷۶، مجلس ۴۴۱. نویسنده سیزدهمین پسر عباس میرزا بود. وقتی در سال ۱۲۶۴.ق قوای محمد شاه به سرکردگی حسام‌السلطنه در خراسان و هرات به موفقیت‌های نظامی دست یافتند او نائل به دریافت لقب گشت و قدرت سیاسی قدرتمند و البته بحث‌برانگیزی در خراسان باقی ماند و در مشهد به خاک سپرده شد. از میان تمامی سفرنامه‌های منتشر نشده *سفرنامه حسام‌السلطنه* یقیناً سفرنامه مهمی است چراکه سفر حسام‌السلطنه به مکّه باعث بروز اصلاحاتی در بهبود وضعیت زائران ایرانی گشت.
- ۴- حسام‌الشعرا، *سفرنامه* (تهران ۱۳۰۰.ق/۱۸۸۳.م). نگاه کنید به منزوی، فهرست، ۴۰۲۴، شماره‌های ۱۷۳۱ و ۱۷۳۳.
- ۵- میرزا محمد حسین فراهانی (گلبن)، *سفرنامه*، تصحیح حافظ فرمانفرمایان، ۲ جلد. (تهران، ۱۳۴۲/۱۹۶۴.م).
Tr. Hafez Farmayan and Elton L. Daniel as a Shiite pilgrimage to Mecca 1885-1886 (Austin, Tex., 1990).
- ۶- حاجی محمدعلی پیرزاده، *سفرنامه*، تصحیح حافظ فرمانفرمایان، ۲ جلد (تهران، ۱۳۴۲-۶۵/۱۹۶۳.م). این اثر را نباید در میان دیگر سفرنامه‌های مکّه قرار داد چرا که این اثر شرحی است از سفر نویسنده به اروپا، امپراتوری عثمانی و مصر. *سفرنامه* پیرزاده برای اثبات نتیجه این مقاله مفید است چراکه شامل بخش مفصلی درباره سازمان‌دهی سفر مکّه می‌شود که نویسنده هنگام بازدیدش در دمشق آنها را از نزدیک مشاهده کرده است.
- ۷- نایب‌الصدر شیرازی، *تحفة الحرمین* (بمبئی، ۱۸۸۹/م/۱۳۰۶.ق). نسخه تصحیح شده‌ای هم به نام *سفرنامه نایب‌الصدر شیرازی* در زیارت مکّه (تهران، ۱۹۸۳/م/۱۳۶۲.ق) وجود دارد.
- ۸- نسخه دست‌نویس همدان، نگاه کنید به منزوی، فهرست، ۴۰۳۰. شماره ۴۱۷۰۸. این نسخه کمتر شناخته شده شرحی از سفر زیارتی نویسنده و برادرش است که در ۲۷ رمضان ۱۳۰۷.ق/۱۶ می ۱۸۹۰ آغاز شده است.

- ۱۵- ناشناس، سفرنامه مکه (۱۸۹۲م/۱۳۰۹ق).^۱
 - ۱۶- میرزا علی‌خان امین‌الدوله، سفرنامه مکه (۱۸۹۸م/۱۳۱۶ق).^۲
 - ۱۷- مهدیقلی خان هدایت مخبرالسلطنه، سفرنامه تشریف به مکه (۱۹۰۳م/۱۳۲۰ق).^۳
 - ۱۸- داوود علینقی حسینی، سفرنامه مکه (حدود سال ۱۹۰۷م/۱۳۲۴ق).^۴
- از منظر تألیف این آثار باید اذعان کرد که سفرنامه‌ها نه نمایانگر کل جامعه قاجارند و نه نمایندگان واقعی سفر حج هستند. تقریباً تعداد زیادی از سفرنامه‌ها به دست مأموران و مقامات دولتی نوشته شده و با کمال تعجب چندتایی نیز به قلم علما و یا حتی مردمان عادی کوچه و بازار است.^۵ بدیهی است که یقیناً افراد زیادی به غیر از مأموران دولتی و مقامات به سفر حج رفته بودند. حسین کاظم‌زاده به صاحبخانه متمولی اهل اصفهان اشاره می‌کند که همراه ۱۵۰ مستأجرش عازم سفر حج شده بود.^۶ از میان سه هزار زائر ایرانی سال ۱۸۸۵م/۱۳۰۲ق فقط معدودی از آنها از مقام‌های عالی‌رتبه دوره قاجار بودند.^۷ از آنجایی

-
- ۱- نسخه دست‌نویس تهران، کتابخانه ادبیات ۳۹۳. این سفرنامه شرح زیارت یکی از درباریان ناشناس است که ۲۵ شعبان ۱۳۰۹ه.ق/۲۴ مارس ۱۸۹۲م از طریق کربلا به سفر مکه رفت و سفرش به تاریخ ۹ صفر/۳۱ آگوست به پایان رسید. این متن تصحیح نشده است. نگاه کنید به منزوی، فهرست، ۴۰۳۲، شماره ۴۱۷۱۸.
 - ۲- امین‌الدوله، سفرنامه مکه، تصحیح علی‌امینی با نام سفرنامه امین‌الدوله (تهران، ۱۳۵۴). مؤلف یکی از مشهورترین دولت‌مردان دوره قاجار (۱۹۰۴-۱۸۴۴م/۱۳۲۱-۱۲۶۱ه.ق) و دست‌پرورده عبدالحسین میرزا فرمانفرما بود. پس از آنکه در سال ۱۸۹۸م/۱۳۱۵ه.ق به مقام نخست‌وزیری رسید درخواست کرد تا به سفر حج برود. او به همراه برادرش مجمال‌الملک، پسرش معین‌الملک و ملازمانی چون آشپز، خدمه، منشی و غیره به سفر رفت. امین‌الدوله مسیر دریایی تقریباً معمولی برگزید که از طریق بیروت راهی فرعی به سوی دمشق داشت و می‌توانست به زیارت مرقد زینب صغری برود. او هنگام سفر بیمار احوال بود و تا هنگام مرگش در لشته‌نشا نوعی دل‌نگرانی در سفرنامه دیده می‌شود که اثر را شبیه یادداشت‌های شخصی می‌کند تا سفرنامه.
 - ۳- وقتی نخست‌وزیر امین‌السلطان اتابک در سال ۱۹۰۳م/۱۳۲۰ه.ق از کار برکنار شد تقاضا کرد تا به حج برود. او راه بسیار غیرمعمولی را برگزید و در جهت شرق به دور دنیا سفر کرد تا به مکه برسد. این سفرنامه تقریباً چهل سال بعد توسط دست‌پرورده ممتازش مهدیقلی خان هدایت مخبرالسلطنه به نام سفرنامه تشریف نوشته شد. محمد دبیرسیاقی این کتاب را با نام سفرنامه مکه (تهران ۱۳۶۸) تصحیح کرده است.
 - ۴- نسخه دست‌نویس مشهد، آستان قدس رضوی ۲۴۹. این سفر بیشتر راهنمای سفر مکه است تا سفرنامه مکه. نگاه کنید به منزوی، فهرست، ۴۰۳۰، شماره ۴۱۷۰۹.
 - ۵- برخی از این آثار ممکن است متن‌های ارزشمندی باشند که شاید هنوز در کتابخانه‌های شخصی یا مذهبی وجود داشته باشند. کتابنامه معروف اثر آقا بزرگ طهرانی به نام الذریعه الی تصانیف الشیعه (نجف و تهران ۱۳۵۵ه.ق/۱۹۳۶) به چندین عنوان اشاره می‌کند: ابراهیم بن درویش محمد کازرونی، سفرنامه حج‌البیت، میرزا محمد حسین مرعشی شهرستانی، سفرنامه حجاز. شیخ میرزا علی صدرالذکرین تهرانی، سفرنامه مکه و حسین ذوالقدر شجاعی، سفرنامه حج و راهنمای حجاز.
 - ۶- کاظم‌زاده، ۳-۴.
 - ۷- فراهانی، سفرنامه، ۲۰۶ (نسخه ترجمه شده ۱۹۲-۱۹۱). اسامی سه پژوهشگر دینی، چهار مأمور دیوان‌سالار و همسران دو تن از مقامات عالی‌رتبه در میان نام بیش از سه هزار زائر ایرانی دیده می‌شود.

که اکثر حج‌نامه‌ها به دست اشراف و مأموران دیوان سالاری نوشته شده نمی‌توان این اتفاق را به پارسایی و زهد افراد این طبقه نسبت داد و یا آن را ناشی از سواد یا ثروت‌شان دانست. البته بخشی از این آثار جزء آثار دولتی بوده و از این‌رو جان سالم به‌در برده‌اند. مشخص است که بعضی از مؤلفان تماماً ترغیب شده بودند تا به مناسک حج به چشم موقعیتی نگاه کنند که آنها را با پیشرفت‌ها و تحولات کشورهای همسایه آشنا می‌کرد. اشراف و مقامات عالی‌رتبه مجبور بودند تا با مرخص شدن از خدمات و وظایف رسمی‌شان به سفر حج بروند و در بازگشت باید گزارشی رسمی درباره تجربیات‌شان از سفر می‌نوشتند، گزارش‌هایی که بعداً خدمت شاه عرضه می‌شدند. قبل از آنکه این گزارش‌ها به عنوان اسناد، بایگانی شوند توسط شاه خوانده می‌شدند چنان‌که یادداشت‌های درون‌نسخ دست‌نویس نیز بر این امر گواهی می‌دهند. در بقیه موارد، نویسندگان هنگامی به مناسک حج می‌رفت که یا به دلایلی مورد غضب قرار گرفته بود و یا روزها یا سال‌های پایانی عمرش را سپری می‌کرد، از این‌رو انگیزه‌شان برای نوشتن سفرنامه چندان مشخص نیست. محتوای این‌گونه سفرنامه‌ها تحولاتی است که هنگام دوره قاجار رخ داده است. بسیاری از آنها شبیه کتابچه‌های راهنمای سفر کعبه هستند که راوی جزئیات سفر را از طریق آنها منتقل می‌کند. سفرنامه محمد حسین فراهانی اکثراً شامل اطلاعاتی درباره برنامه و تدارک سفر، پول رایج، هزینه‌ها، مناظر و اماکن دیدنی، گرفتن گذرنامه و مأموران گمرک است. سفرنامه‌های دیگر مسافران - معمولاً نویسندگان جوان‌تر - به یادداشت‌های شخصی شبیه است که بر تجربه‌ها و احساسات فردی نویسنده متمرکز بودند مثلاً سفرنامه امین‌الدوله مملو از گزارش‌هایی درباره از خواب برخاستن، چایی نوشیدن، غذا خوردن، گفتگو کردن و وضعیت سلامتی‌اش است. تفاوت سفرنامه‌های دوره آغازین قاجار با آثار بعدی تقریباً شبیه تفاوت میان رابرت بایرون (Robert Byron) و بی‌دیکر (Baedaker) است که به نشانه گام مهمی در تحولات این گونه ادبی می‌باشد.^۱

سفرنامه‌ها نیز نسبت به آنچه که باید درباره سفر حج ذکر می‌کردند - که آئینی مذهبی است و یا بازدیدی از اماکن مقدس مکه و مدینه است - به شدت متفاوت بودند. در بعضی از آثار هم‌چون آثار سیف‌الدوله یا امین‌الدوله به ندرت به خود «سفر زیارتی» اشاره می‌شود آن قدر که ممکن است خواننده احساس کند که حج به جای آنکه دلیل سفر باشد بهانه‌ای برای سفر کردن بوده است.^۲ برخی مانند فراهانی قدری درباره مراسم آئینی حج صحبت می‌کنند. این قبیل سفرنامه‌ها نفوذ و اهمیت بیشتری داشته‌اند چراکه با نگرشی شیعی به مراسم حج می‌نگریستند، باقی سفرنامه‌ها هم‌چون آثار مسافران اروپایی مانند برتون (Burton) و

۱ - درباره این موضوع نگاه کنید به مقاله:

William. L. Hanaway, Persian travel narratives: notestoward the definition of a nineteenth century genre.

۲ - سلطان محمد سیف‌الدوله، سفرنامه مکه. تصحیح علی‌اکبر خداپرست (تهران، ۱۳۶۴). میرزا علی‌خان امین‌الدوله، سفرنامه، تصحیح علی‌امینی (تهران، ۱۳۵۴).

بورکهارت (Burckhart) که مخفیانه به مکه رفتند از دیدگاه سنیان نوشته شده است.^۱ سفرنامه‌های ایرانی طبیعتاً به اماکنی هم‌چون قبرستان بقیع در مدینه یا مرقد/احمد/حصائی بیشتر از سفرنامه‌های اروپایی یا سنی‌ها توجه می‌کردند چراکه این اماکن اهمیت ویژه‌ای نزد شیعیان و ایرانیان داشت.^۲ گزارش‌های تشریفات مذهبی و زیارت اماکن مقدس هم در سفرنامه‌های ایرانی و هم در سفرنامه‌های غیرایرانی به شکل غربی بکنواخت و یکسان هستند. مثلاً شباهت شرح و گزارش *فراهانی* از اماکن و صحنه‌هایی که مشاهده کرده است با شرح و توصیفات ریچارد برتون یا کریستین اسنوک (Christian Snouck) بسیار زیاد است.^۳ احتمالاً وجود چنین شباهتی به این دلیل است که تمامی زائران هنگام حضور در مراسم حج زیر نظر و تحت راهنمایی *مطواف‌های* (آن که طریقه طواف و دیگر اعمال حج را به حاجیان می‌آموزد) حرفه‌ای بودند و برنامه سفری که به زائران می‌دادند مانند هر شرکت مسافرتی امروزی برنامه‌های ثابت و متعارف داشت. به علت اهمیت زیاد تاریخی دو نکته دیگر درباره حج‌نامه‌های دوره قاجار وجود دارد که سزاوار توجه بیشتری هستند. نخست آنکه شمار سفرنامه‌ها در ۲۵ سال انتهای قرن نوزدهم به شکل چشم‌گیری افزایش می‌یابد. یقیناً افزایش تعداد سفرنامه‌ها مربوط به افزایش تعداد زائران در این دوره می‌شود. به نظر می‌رسد در اوایل قرن ۱۹ فقط چند صد ایرانی توانسته بودند تا به سفر زیارتی مکه بروند اما با آغاز قرن بیستم این تعداد به هشت هزار تن یا بیشتر رسید. در سال ۱۳۰۲/م ۱۸۸۵ ه.ق هنگامی که *فراهانی* به سفر حج رفت بیش از سه هزار ایرانی به مکه رفته بودند که از این میان هفتصد تن حاجی *فروشی*، *عکام* (akkām) و درویش بودند.^۴ در گزارش‌ها و اخبار کلی درباره تعداد زائران دوره قاجار می‌توان متوجه روند مشابهی شد.^۵ چگونه می‌توان این پدیده را روشن کرد؟ گرچه رفاه بیشتر و افزایش اعتقاد مذهبی در بروز این پدیده نقش داشته است عوامل مهم دیگری باعث ایجاد چنین پدیده‌ای گشته‌اند: ۱- عوامل ژئوپولیتیک ۲- عوامل تکنولوژیک. عوامل ژئوپولیتیک (یا جغرافیای سیاسی) به افزایش امنیت زائران ایرانی ارتباط دارد که

1- J. L. Burckhart, travels in Arabia (London 1829). Richard F. Burton, personal narrative of a pilgrimage to al-Madinah and Meccah. 2 vols (London 1893)

پل فاسل می‌گوید: تأثیر نوشته‌های بایرون بر سفرنامه‌نویسی همانند تأثیر *اولیسس* بر *رمان* و *سرزمین هرز* بر شعر است.

۲ - نگاه کنید به شرح قبرستان بقیع در *فراهانی*، سفرنامه، ۲۸۱ تا ۲۸۸ (نسخه ترجمه شده ۲۶۷ تا ۲۷۴) هم‌چنین رجوع کنید به توصیفش از مرقد *احصاعی* ۲۸۴ تا ۲۸۶ (نسخه ترجمه شده ۲۷۰ تا ۲۷۱).

۳ - *فراهانی*، سفرنامه، ۲۱۶ تا ۲۵۷ (نسخه ترجمه شده ۲۰۳ تا ۲۴۴). هم‌چنین نگاه کنید به: Burton, personal narrative, 2: 139. Snouck Hurgronje, mekka (the Hague, 1888-89. Tr. J. Monohan as Mekka in thr latter part of the nineteenth century, London 1931).

۴ - *فراهانی*، سفرنامه، ۲۰۵ (نسخه ترجمه شده ۱۹۱). حاجی *فروشی* در قبال گرفتن مبلغی برای شخص دیگری به انجام فریضه حج می‌پرداخت. *عکام*، خدمه کاروان بودند که باروبنه زائران را حمل می‌کردند. حاجی *فروشی* و *عکام* با مردم عادی که تنها یک بار در زندگی‌شان به سفر حج می‌رفتند، فرق می‌کردند.

5 - see T. Hughes. A dictionary of Islam (London, 1885), 159. Kazem Zadeh, relation, 59. David Long, the Hajj today (New York, 1979).

در نتیجه بهبود روابط ایران با امپراتوری عثمانی حاصل شده بود و عوامل تکنولوژیکی یا فنی که مربوط به بهبود سیستم حمل‌ونقل مخصوصاً راه‌آهن و کشتی‌های بخار می‌شد که توسط کارفرمایان اروپایی معرفی و مرسوم شده بود.

از قرن ۱۶ تا ۱۸ میلادی قدرت‌های اروپایی برای زائران ایرانی مشکل ایجاد نمی‌کردند (چنانچه پرتغالی‌ها در اقیانوس هند برای زائران هندی مشکلاتی ایجاد کرده بودند) بلکه این خصومت و دشمنی میان صفویه و امپراتوری عثمانی بود که سبب‌ساز مشکلاتی برای زائران ایرانی شده بودند. آنها اغلب در حال جنگ با یکدیگر بودند و ابعاد مذهبی این کشمکش‌ها روابط میان سنیان و شیعیان را وخیم‌تر می‌کرد. هنگامی که امپراتوری عثمانی مشغول جنگ با ایران بود رعایای ایرانی به کلی از سفر حج ممنوع و محروم بودند، در روزگار صلح نیز هر ایرانی یا فرد شیعه‌ای مورد ظن بود و بیم می‌رفت که آزار و شکنجه و یا حتی اعدام شود. فقط شمار اندکی از ایرانیان اجازه داشتند تا جهت سفر حج (و آن هم فقط برای مدت زمان محدودی) وارد خاک عثمانی شوند و بایست به تمای قوانین و ممنوعیت‌ها گردن می‌گذاشتند مثلاً اجازه نداشتند وارد بغداد شوند. کوشش‌های ناموفقی انجام شد تا زائران ایرانی از زیارت عتبات بازداشته شوند و یا حداقل از ده روز بیشتر توقف نکنند. فرمانی که به سال ۱۵۶۴/م ۹۸۱/ق صادر شده بود همگی زائران ایرانی را ملزم می‌کرد تا به وسیله یکی از کاروان‌های رسمی از راه دمشق، مصر یا یمن به مکه بروند. این فرمان به این معنا بود که زائران ایرانی باید مبالغی به حکومت عثمانی می‌پرداختند (جان و مال‌شان نیز در خطر بود) و از کاربرد کاروان‌های مناسب و راحت‌تر راه بصره صرف‌نظر می‌کردند. ظاهراً عثمانی‌ها در ۱۵۶۸/م ۹۸۵/ق معصوم‌بیگ وزیر صفوی را به قتل رساندند. او عازم سفر حج بود و عثمانی‌ها، اعراب بادیه‌نشین را مسئول قتل او اعلام کردند.^۱ در سال ۱۵۸۰/م ۹۹۷/ق عده‌ای از زائران ایرانی متهم شدند که عاملان دولت صفوی هستند تا در سفر حج به تبلیغ بپردازند از این‌رو همگی دستگیر و اعدام شدند. علاوه بر چنین پیشینه و وضعیتی، احساسات مذهبی عوام هم گاه چنان برانگیخته می‌شد که مردم عادی نیز از ورود ایرانیان و شیعیان به شهر مکه جلوگیری می‌کردند (چنانچه همین اتفاق در سال‌های ۱۶۲۵/م ۱۰۴۲/ق و ۱۶۳۴/م ۱۰۵۱/ق به وقوع پیوست)^۲ و یا از شرکت آنها در وقوف عرفات (شامل سه ناحیه مقدس عرفات، مشعر و منا) جلوگیری می‌کردند که بدون آن مناسک حج اعتباری نداشت. در مدینه معمولاً از ورود ایرانی‌ها به مسجد و مرقد پیامبر جلوگیری می‌کردند و زائران شیعی را متهم می‌کردند که به قبر عمر و ابوبکر بی‌حرمتی می‌کنند. زائران ایرانی مجبور بودند تا با نخاوله (Nakawala) در یک‌جا زندگی کنند. نخاوله جمعی از شیعیان فقیر و ستم‌دیده‌ای بودند که به اجبار باید بیرون شهر مدینه زندگی می‌کردند.^۳ در طی مراسم حج، شیعیان مجبور بودند تا با تقیه هویت‌شان را پنهان کنند اما هم‌چنان در

1 - Eskandar Beg Monšī, tāriḫ-e ālamāra-ye abbāsī, tr. R. M. Savory AS History of Shah Abbas the Great, 2 vols. (Boulder, Colo., 1978), 1: 253.

2- Burckhardt, travels, 251.

3 - see Burton, personal narrative, 2: 1-3; M. S. Makki, Medina Saudi Arabia (Avesbury, 1982),

معرض آزار و شکنجه بودند.

این وضعیت خصمانه و نامطلوب بعد از سقوط صفویه و شکست آخرین قلعه ایرانی در موصل شروع به تغییر کرد. در سال ۱۷۴۳م/ ۱۱۶۰ه.ق نادرشاه افشار شروع به مذاکره با عثمانی‌ها کرد. طبق این معاهده تا حدودی ممنوعیت‌های سفر حج برطرف و برنامه‌های سفر کنترل و پیگیری می‌شد و به ایرانیان اجازه می‌دادند تا خودشان سرپرست زائران (امیرالحج) ایرانی باشند.^۱ با وجود این شرایط هنوز چندان برای زائران مساعد نبود چون در اواخر قرن هیجده و اوایل قرن نوزده عثمانی‌ها نظارت محدود و کمی بر منطقه حجاز داشتند. یکی از قوی‌ترین و شدیدترین تهدیدها از سوی فرقه وهابیون ستیزه‌جو بود که با قبیله سعودی مستقر در نجد (Najd) مرتبط بودند. وهابی‌ها نه تنها کاروان‌های زائران را تهدید کرده و گاه و بی‌گاه مکه را تصرف می‌کردند و بر آن مسلط می‌شدند، بلکه به طور افراطی ضد شیعه بودند و عتبات را آماج یورش‌ها و تاخت و تازهایشان قرار داده بودند.^۲ تا زمانی که تهدید و مزاحمت وهابی‌ها ادامه داشت ایرانیان اندکی تمایل داشتند تا به عربستان سفر کنند.

بعدها در قرن نوزده اقتدار و نفوذ عثمانی بر قلمرویشان دوباره برقرار شد و روابط میان امپراتوری عثمانی و ایران از سیاست مدارا به سیاست دوستی تغییر کرد. هر دو کشور مشکلات مشترکی داشتند که انگیزه‌ای برای همکاری مشترک‌شان بود. نخبگان اصلاح‌طلب ایران به تنظیمات (Tanzimat) عثمانی به چشم الگویی برای نوسازی در جامعه ایران می‌نگریستند. در سال ۱۸۷۰م/ ۱۲۸۷ه.ق ناصرالدین‌شاه طی مراسمی تشریفاتی به زیارت عتبات رفت. این واقعه که نشانه و مظهری از ارتباط نوپای ایران و ترکیه بود این رابطه را محکم کرد.^۳ این سفر به ترغیب و کوشش گروهی از اصلاح‌طلبان ایرانی برنامه‌ریزی شد که برخی از آنها پیشتر مأموریت‌هایی سیاسی در امپراتوری عثمانی انجام داده بودند. این سفر راهی جهت معرفی و آشنایی شاه با مدحت پاشا (Midhat Pasha) بود، او یکی از مترقی‌ترین اصلاح‌طلبان عثمانی قلمداد می‌شد و در آن زمان والی عراق بود. این اتفاق به شاه اجازه می‌داد تا از نزدیک شاهد مزایای عمده و مهم تغییرات اساسی باشد که به وسیله تنظیمات^۴ عرضه شده بود و از سوی دیگر زمینه هم برای نخستین سفر شاه مهیا می‌گشت. علاوه بر ابعاد سیاسی، مذاکره میان شاه و مدحت پاشا منجر به توافقی شد که وضعیت زائران ایرانی را به شکل قابل توجهی بهبود می‌بخشید (هم در عتبات و هم در مکه) و امنیت آنها را در

118-20; E. Rutter, the holy cities of Arabia (London, 1928), 245-46.

1 - Robert. W. Olson, the siege of Mosul and Ottoman-Persian relations 1718-1743 (Bloomington, Ind., 1975), 100-106.

۲ - وحشت از وهابیانی که در سال ۱۸۰۱م/ ۱۲۱۸ه.ق کربلا را چپاول کردند در این اثر توصیف شده است: J. B. Kelly, Britain and Persian Gulf (Oxford, 1968), 100.

۳ - این سفر موضوع سفرنامه‌ای به قلم خود شاه شد. ایرج افشار این اثر را با نام سفرنامه عتبات (تهران، ۱۳۶۳) تصحیح کرده است.

۴ - در سده ۱۹ میلادی امپراتوری عثمانی به علت آشنایی با فرهنگ مغرب زمین و به علت مواجهه با موانع ساختاری در جامعه خویش دست به اصلاحات بسیاری زد که به این دوره عصر تنظیمات می‌گویند.

برابر حمله به مسافران و زائران تأمین می‌کرد.^۱ به فاصله کوتاهی پس از این قرارداد نخست‌وزیر ایران میرزا حسین‌خان مشیرالدوله سپهسالار (۷۳-۱۸۷۱م/۹۰-۱۲۸۸ه.ق) به سفر حج رفت و در طی دوران دیدارش شرایط را چنانچه فراهانی نیز در سفرنامه‌اش شرح می‌دهد برای زائران ایرانی شهر مدینه آماده و مهیا کرد. شنیدیم که قبلاً مردم در مسجد پیامبر با زائران ایرانی و شیعه دعوا یا زد و خورد می‌کردند و به زور از آنها اخاذی می‌کردند. وزیر بزرگ میرزا حسین‌خان مشیرالدوله سپهسالار هنگام دیدارش از مکه فرمان داد سید مصطفی (سرپرست اصلی و مسئول زائران ایرانی) فلک شود. سپس مقرر کرد که هر زائر ایرانی شش هزار دینار ایرانی به عنوان ورودیه مرقد بپردازد. پس از آن بود که دیگر خدمه و مأموران مزاحم زائران ایرانی نمی‌شدند...^۲

احتمالاً در ادامه چنین تغییراتی بود که حسام‌السلطنه هنگام دیدارش از شهر مکه در سال ۱۸۸۰م/۱۲۹۷ه.ق اقداماتی جهت جلوگیری از آزار و بهره‌کشی از زائران شیعه انجام داد که از آن میان می‌توان به فلک کردن ساربانان و راهنمایی اشاره کرد که اموال زائران ایرانی را به یغما برده بودند.^۳

عامل سیاسی دیگری که ظاهراً به سود زائران ایرانی تمام شد اختلاف روزافزونی بود که در اواخر قرن نوزدهم میان عثمانی‌ها و شریفان (حاکم مکه و متصدی کعبه) مکه پدید آمده بود. در چندین سفرنامه اشاره شده است که از مسافران ایرانی دعوت شد تا به ملاقات شریف اعوان‌الرفیق یا شریف حسین بروند که گویا نگران آسایش و رفاه زائران ایرانی بودند.^۴ از این‌رو عثمانی‌ها و مقامات بومی عرب انگیزه اندکی داشتند تا برای ایرانیان مشکل فراهم کنند و در عوض تلاش می‌کردند تا نظر مساعد ایرانیان را به خود جلب کنند. یکی دیگر از دلایل مهم افزایش سفرهای حج در دوره قاجار به علت تحول در سیستم حمل و نقل بود. زائران دوره قاجار همانند بسیاری دیگر تا سال‌های زیادی انتخاب‌های چندانی نداشتند و فقط مجبور بودند از شیوه‌های سنتی حمل و نقل استفاده کرده به حجاز بروند. یکی از این شیوه‌ها مسیر قانونی همراه با کاروان‌های عثمانی بود. زائران ایرانی به کاروان‌های سوری و دمشق می‌پیوستند که همراه نگهبان‌های

1 - see Ali Haydar Midhat Bey, the life of Midhat Pasha (London, 1903), 52-55. Hamid Algar, Mīrā Malkum Khān (Berkeley, 1973), 107. Hasan Fasāī, Fārs-nāma-ye nāserī, tr. Heribert Busse as history of Persian under Qājār rule (New York, 1972), 368-72.

محمود فرهاد معتمد، تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی (تهران، ۱۳۲۷)، ۳۲ و ۳۳؛ عبدالعزیز نوار، تاریخ العراق الحدیث (بغداد، ۱۳۸۵ه.ق)، ۴۳۵ تا ۴۳۹. در منابع فارسی مانند فارس‌نامه ناصری نویسنده سفرنامه کمتر از جنبه‌های مذهبی سفر حج دور می‌شود، در مقابل نگاه کنید به: میرزا علی‌خان امین‌الدوله، خاطرات سیاسی، تصحیح حافظ فرمانفرمایان (تهران، ۱۳۴۱).

۲ - فراهانی، سفرنامه، ۲۸۰ و ۲۸۱ (نسخه ترجمه شده ۲۶۶).

۳ - فراهانی، سفرنامه، ۲۰۹ (نسخه ترجمه شده ۹۵). این اصلاحات ممکن است به تمامی در نسخه تصحیح نشده سفرنامه حسام‌السلطنه توصیف شده باشند.

۴ - فراهانی، سفرنامه، ۲۴۴ (نسخه ترجمه شده ۲۳۱). امین‌الدوله، سفرنامه، ۲۰۵، که به گفتگویی هم با شریف اعوان اشاره می‌کند.

مسلح به سوی مکه رهسپار می‌شدند. بیشترین مزیت چنین برنامه‌ای هرچند به ضرر کاروان‌های خصوصی بود تأمین امنیت نسبی بود که در سفر با این کاروان‌ها به‌دست می‌آمد. اگر پول کافی برای محافظت صرف و پرداخته نمی‌شد خطر حمله اعراب بادیه‌نشین در باقی مسیرها بسیار زیاد بود.^۱ از طرف دیگر کاروان‌های عثمانی آهسته حرکت می‌کردند و هزینه‌های اضافی برای زائران می‌تراشیدند چراکه زائران مجبور بودند تا عوارض و اجرت بسیاری بپردازند. راه دیگری که زائران ایرانی می‌توانستند انتخاب کنند پیوستن به کاروان‌های کوهستانی یا بیابانی بود که عراق را از راه جبل شَمَار (Jabal šammār) به حجاز متصل می‌کرد. این مسیر در حقیقت غیرقانونی بود اما/امیران رشیدی حائل (Rašīdī amirs of Hāel) بسیار علاقمند بودند تا زائران از این مسیر استفاده کنند چراکه با عبور و مرور زائران ایرانی از این راه عایدات فراوانی نصیب امیران می‌شد. این راه مورد علاقه زائران ایرانی هم بود چراکه آنها می‌توانستند بعد از زیارت عتبات به این مسیر ملحق شوند و به مکه بروند. علاوه بر این، چنین مسیری ارزان‌تر و گاه حتی امن‌تر از کاروان‌های سوری بود.^۲ بنا بر اطلاعات سفرنامه‌ها به نظر می‌رسد که عثمانی‌ها تا مدت زمانی عبور و مرور زائران را از این مسیر تحمل می‌کردند گرچه وجود چنین مسیری باعث می‌شد تا درآمد آنها کاهش یابد اما آنها با این کار به/امیران رشیدی کمک می‌کردند و به آنها انگیزه مازاد می‌دادند تا با سعودی‌ها و وهابیون درافتند. پس از ایجاد روابط حسنه میان عثمانی‌ها و ایرانیان هر دو حکومت اقداماتی جهت مسدود کردن این مسیر انجام دادند. فراهانی در سفرنامه‌اش به سال ۱۸۸۵م/۱۳۰۲ق می‌نویسد: ایرانیانی که تغییر قیافه دادند و تلاش کردند تا از این راه به/ایران بازگردند همگی دستگیر شده با خفت آنها را برگردانده و زندانی و جریمه کردند.^۳

به سخن دیگر سفر رفت و برگشت حج از/ایران به حجاز از طریق کاروان‌های زمینی به راحتی یک سال یا بیشتر طول می‌کشید. زائران مناطق شمالی ایران می‌توانستند به بغداد رفته سپس با بالا آمدن از فرات (Euphrates)، بیابان سوریه را دور زده از حلب (Aleppo) عبور کرده و بالاخره به سوی دمشق سرازیر شوند. در آنجا می‌توانستند به کاروان‌های عثمانی ملحق شوند که به سوی مکه و مدینه می‌رفتند. زائران مناطق جنوبی هم می‌توانستند با عبور از خلیج فارس راهی به داخل عربستان بیابند. برای تمامی این مسافران استفاده از چنین مسیرهایی خطرناک، وقت‌گیر و گران‌قیمت بود. چنان‌چه در سال ۱۸۵۶م/۱۲۷۳ق/امیر محنای بوریده (Mohannā of Borayda) کاروانی از زائران ایرانی را تار و مار کرد. در سال ۱۸۶۶م/۱۲۸۳ق او کاروانی را به گروگان گرفت که حامل همسر آصف‌الدوله بود.^۴ در

۱ - فراهانی، سفرنامه، ۲۵۷، ۲۶۰ و ۲۶۱ (نسخه ترجمه شده ۲۴۵، ۲۴۸ و ۲۴۹). گزارش شده است در سالی که فراهانی به سفر حج رفت زائرانی که از مسیرهای دیگر و یا از مسیر بالکان به مکه رفته بودند غارت و برخی از آنها کشته شدند.

۲ - فراهانی، سفرنامه، ۲۵۸ و ۲۵۹ (نسخه ترجمه شده ۲۴۶ و ۲۴۷).

۳ - فراهانی، سفرنامه، ۲۵۹ (نسخه ترجمه شده ۲۴۷).

4 - see Adolphe d'Avril, L'Arabie contemporaine avec la description du pèlerinage de la Mecque

سال ۱۸۴۷م/۱۲۶۳ق. میرزا محمدعلی فراهانی، بغداد را در ۱۸ شعبان ترک کرد و از راه موصل، دیاربکر (Diyarbakr)، حلب و دمشق سفر کرد تا از خطرات عبور از بیابان در امان بماند و تا ۲۶ جمادی‌الاول ۱۲۶۴/۳۰ آوریل ۱۸۴۸ به تبریز نرسید.^۱ چهار ماه طول کشید تا سیف‌الدوله نیز در سال ۱۸۶۳م/۱۲۸۰ق. از مکه به بیروت برسد، از حلب تا دیاربکر یک ماه در راه بود و دو هفته طول کشید تا به موصل برسد و ظرف سه هفته نیز با کلک از راه رودخانه به بغداد رسید.^۲

به تدریج سیستم حمل و نقل تغییر کرد. هم قدرت‌های محلی و هم اروپایی عمداً یا ناآگاهانه متمایل بودند تا مسیرهای زیارتی زائران ایرانی به حجاز را اصلاح کنند. این تغییرات در کشور ایران شامل احداث راه‌های جدید و تأسیس مهمان‌خانه، چاپارخانه و ایستگاه‌های در شبکه‌سواری می‌شد که اکثراً در جاده تهران-انزلی قرار داشتند. این اصلاحات به سرعت سفرها نیافزودند اما باعث شدند سفرها ایمن‌تر و راحت‌تر شوند. از آن مهم‌تر دسترسی آسان‌تر به انزلی، باعث شد تا دسترسی به خطوط ارتباطی میان ریل‌های جدید و حمل و نقل دریایی راحت‌تر شود. مثلاً روس‌ها کشتی‌های بخاری تدارک دیدند که سرتاسر دریاچه خزر از انزلی تا باکو را درمی‌نوردید. آنها همچنین سیاست حساب‌شده‌ای را پیش گرفتند و با ایجاد خطوط راه‌آهن امپراتوری‌شان را متحد کردند. یکی از مهم‌ترین این خطوط خط‌آهن ماورای قفقاز (Transcaucasian) بود که از سال ۱۸۶۷م تا ۱۸۷۲م از پوتی تا تفلیس ساخته شده و پس از جنگ میان روس‌ها و ترک‌ها در سال ۱۸۷۸م/۱۲۹۵ق. تا باکو نیز کشیده شد. با توجه به سفر ادوارد. بی. ایستویک (Edward. B. Eastwick) که کاردار سفارت بریتانیا در ایران بود می‌توان تأثیر ابداعات سیستم حمل و نقل را داوری کرد. او بدون استفاده از خطوط راه‌آهن و کشتی بخار دریاچه خزر در مدت سه هفته از پوتی به تفلیس رسید و تقریباً سه ماه طول کشید تا به تهران برسد (البته در طول مسیرش زمان زیادی به همراه اشراف روسی به شکار خرس پرداخت).^۳ همانند سیف‌الدوله که در سال ۱۸۶۳م/۱۲۸۰ق. سه ماه طول کشید تا از تهران به پوتی برسد.^۴ در سال ۱۸۷۵م/۱۲۹۲ق. هنگامی که تقریباً راه‌آهن تکمیل شده بود فرهاد میرزا معتمدالدوله

(Paris, 1868), 174-75; W. G. Palgrave, personal narrative of a year's journey through central and eastern Arabia (7th ed., London, 1875), 160 ff.

۱ - جزئیات سفر را می‌توان در اثر منزوی یافت، فهرست، ۴۰۳۱، شماره ۴۱۷۱۳.

۲ - سیف‌الدوله، سفرنامه، ۱۲۴ تا ۲۵۱. او در یکم محرم ۱۲۸۰ق/۱۷ ژوئن ۱۸۶۳ از مکه خارج شد و در ۱۴ جمادی‌الاول/۲۷ اکتبر پس از بازدید از بیروت، دمشق را ترک کرد و در ۱۵ جمادی‌الثانی از دیاربکر و ۲۹ جمادی‌الثانی از موصل خارج شد.

3 - Edward. B. Eastwick, Journal Of a Diplomat's Three Years' Residence in Persia (London, 1864), 52- 220.

او ششم آگوست وارد پوتی شد و در ۲۳ آگوست به تفلیس رسید و پس از سفری طاقت‌فرسا و گذر از رودخانه و اسب‌سواری و گاه پای پیاده در ۱۹ سپتامبر وارد ایران شد و از راه زمینی از طریق تبریز به تهران رفت و ۲۳ اکتبر به این شهر رسید.

۴ - او به خلاف دیگر نویسندگان چندان در مورد تاریخ‌ها دقیق نیست اما در این باره می‌نویسد که چهارم شعبان ۱۲۷۹ق. از تهران خارج شد (سیف‌الدوله، سفرنامه، ۱) و بیستم شوال تفلیس را ترک کرد (۷۹).

در مدت زمان کمتری نسبت به سیف‌الدوله از تهران به پوتی رفت^۱ و در سال ۱۸۸۵م/ ۱۳۰۲ق هنگامی که راه‌آهن تکمیل شد فقط دو هفته طول کشید تا فراهانی از تهران به باطوم برود.^۲ در همین زمان شرکت‌های فرانسوی، بریتانیایی و روسی کشتی‌های بخار را وارد دریای سیاه کرده بودند تا با خط حمل و نقل شرکت اتریشی بسیار موفق لی‌اوید (Lloyd) رقابت کنند که از باطوم به استانبول می‌رفت. این کشتی‌ها پس از مدتی به دیگر کشتی‌های بخار دریای مدیترانه پیوستند. با باز شدن کانال سوئز سفر دریایی از باطوم به جده عملی شد و سازمان‌دهی سفرهای حج از اساس تغییر کرد. تغییرات در سازمان‌دهی و تدارکات سفر حج نتیجه رشد و توسعه مسیرهای دریایی در خلیج فارس و افتتاح راه‌آهن حجاز بود.^۳

به‌طور کلی نقش این دستاوردها در سفر کردن و به خصوص آمد و شد و سفرهای زیارتی زائران بسیار زیاد بود. این دستاوردها به درستی در اثر محمد حسین فراهانی در سال ۱۸۸۵م/ ۱۳۰۲ق شرح و توضیح داده شده است. هم‌چنان که پیشتر اشاره شد مسیر دشوار و پیچ‌درپیچی که پدرش در پیش گرفت به مسافرت پرزحمتی بدل شد که ده ماه طول کشید. اما فراهانی بخش عمده‌ای از مسافت تهران تا مکه را با استفاده از راه‌آهن و راه‌های دریایی طی کرد و ظرف مدت شش ماه از راه استانبول به ایران بازگشت و البته دو ماه از این شش ماه را در گیلان به دید و بازدید و تفریح پرداخت.^۴ تأثیر کامل تحولات در سفر علی‌اصغرخان امین‌السلطان اتابک بارزتر است. شرح سفر او توسط مخبرالدوله نوشته و ثبت شده است. هنگامی که او در سال ۱۹۰۳م/ ۱۳۲۰ق درخواست کرد تا به سفر حج برود هنوز پنج ماه به آغاز مناسک حج مانده بود از این‌رو تصمیم گرفت تا از وقت آزادش استفاده کرده و به دور دنیا سفر کند. او در سپتامبر انزلی را به مقصد مسکو ترک کرد و به پورت‌آرتور، پکن، یوکوهاما، هونولولو، سان‌فرانسیسکو، نیویورک، پاریس، قاهره و در فوریه ۱۹۰۴م/ ۱۳۲۰ق در زمان مقرر به مکه رسید.^۵ به عبارت دیگر از ۱۹۰۳م/ ۱۳۲۰ق به بعد امکان‌پذیر بود که فردی هم به مناسک حج برود و هم دور دنیا را در نصف زمانی

۱- طبق استخاره‌ای که گرفته بود او تهران را در هفتم شعبان ۱۲۹۲ق ترک کرد و پس از اینکه بیش از یک هفته در تفلیس درنگ کرد، ششم شوال به پوتی رسید. او ۱۶ رمضان وارد باکو شد و سفر دشوار تهران تا انزلی وقت‌گیرترین بخش مسافرت بود. فرهادمیرزا، سفرنامه، تصحیح صفا، ۲۹ تا ۸۰.

۲- او تهران را شانزدهم جولای ۱۸۸۵م/ ۱۳۰۲ق ترک کرد و حوالی دوم آگوست وارد باطوم شد. فراهانی، سفرنامه، ۲، ۹۵ (نسخه ترجمه شده ۲، ۹۱).

۳- تحولات و تغییرات دیگری هم بود که بر سفرهای زائران تأثیر گذاشت اما اثر کمتری بر سفرهای زیارتی زائران ایرانی داشت. با آگاهی زائران مسلمان از مزایای چنین حمل و نقل‌هایی شرکت‌های فرانسوی، آلمانی و بریتانیایی شروع به ایجاد و توسعه مسیرهایی در خلیج فارس و اقیانوس هند کردند. در بوشهر و بقیه بندرهای جنوب ایران زائران به آسانی به این مسیرها دسترسی داشتند و می‌توانستند از آنها استفاده کنند. اطلاعات زیادی درباره این راه‌ها در سفرنامه‌های حج منعکس نشده است. راه‌آهن عثمانی خط حجاز که در ۱۹۰۸م/ ۱۳۲۵ق کامل شد و بر سرعت سفرهای میان سوریه و حجاز افزود تأثیر دیر هنگام و محدودی بر سفرهای زیارتی دوره قاجار داشت.

۴- او در شوال ۱۳۰۲ق تهران را ترک کرد و در ربیع‌الثانی ۱۳۰۳ق بازگشت.

۵- مهدیقلی هدایت مخبرالسلطنه، سفرنامه مکه، تصحیح محمد دبیرسیاقی (تهران، ۱۳۶۸) ۱ تا ۵ و ۲۴۹.

بپیماید که قبلاً زائران صرف می‌کردند تا به مکه و مناسک حج برسند.

با توجه به سرعت، اقتصاد و همچنین امنیت مسافران، انتخاب‌های جدید و بسیاری پیش‌روی زائران بود و برای مسیرهای زمینی سنتی دشوار بود تا با انتخاب‌ها و مسیرهای جدید به رقابت بپردازند. حتی بعد از به‌سازی مسیر تهران-انزلی ۶۶ ساعت طول کشید تا سفر خسته‌کننده فر/هانی به اتمام برسد. این سفر شامل هفت ساعت پیاده‌روی می‌شد و بسته به غذای مسافر و جا و مکانش هزینه سفر از شش تا سی تومان متغیر بود.^۱ مسیر دریایی انزلی تا باکو که مسافتی نظیر فاصله انزلی تا تهران را داشت به زحمت بیشتر از یک روز طول می‌کشید و هزینه سفر هم فقط پنج روبل می‌شد (حدود یک‌ونیم تومان ایران).^۲ هم‌چنین در سال ۱۸۸۵م/۱۳۰۲ق. راه مستقیم/استانبول به ینبع یا جده از راه کانال سوئز با کشتی بخار کمتر از دو هفته طول می‌کشید و هزینه‌ای کمتر از ده تومان داشت.^۳ با کشتی بخار از ینبع تا بیروت هشت روز طول می‌کشید (که شامل دو روز نگهداری در قرنطینه هم می‌شد) و هزینه سفر هم ده تومان می‌شد.^۴ حتی اگر مسافری با قایق همه راه را از ینبع تا بوشهر یا بغداد می‌آمد مسافرتش حدوداً سه هفته طول می‌کشید که در تضاد با مسیر زمینی بود که ماه‌ها به طول می‌انجامید، در صورتی که سفر زمینی مدینه تا دمشق با کاروان ممکن بود دو ماه طول بکشد و «هزینه سفر هم ناگفتنی» بود.^۵ سریع‌ترین شیوه سنتی حمل و نقل نیز که به کاروان‌های سریع/السیبر معروف بودند و میان مکه و مدینه یا ینبع در رفت و آمد بودند دو تا سه هفته طول می‌کشیدند و به غیر از این مسافران در معرض خطر حمله/اعراب بادیه‌نشین بودند و به غیر از هزینه‌های متفرقه، بهای سفر حدود هشتاد و پنج تومان می‌شد.^۶ از این‌رو بسیار شگفت‌انگیز است که در سال ۱۸۸۵م/۱۳۰۲ق. بیشتر زائران ایرانی، حداقل ۲۰۰۰ نفر از ۳۰۰۰ نفر، به‌جای راه‌های قدیمی و کاروان‌ها از مسیر دریایی جدید و خطوط راه‌آهن استفاده کردند. فقط حدود صد نفر تلاش کردند تا از راه‌های کوهستانی سفر کنند و هشتصد نفر از طریق کاروان‌های سوری به سفر حج رفتند (از این میان پنجاه نفر به علت مصایبی که در سفر با آن روبرو شدند، درگذشتند).^۷ چنین تغییر شگفتی می‌توانست به سختی شکست بخورد چراکه برای ایرانی‌هایی که به حج و بازدید اماکن مقدس می‌رفتند عواقب و یا نتایجی به همراه داشت. دست و پنجه نرم کردن با مردمی که با آنها روبرو می‌شدند و یا سر و کار داشتن

۱ - فراهانی، سفرنامه، ۲ تا ۴۹ (نسخه ترجمه شده ۲ تا ۴۶).

۲ - فراهانی، سفرنامه، ۵۶ (نسخه ترجمه شده ۵۴).

۳ - فراهانی، سفرنامه، ۱۸۶ (نسخه ترجمه شده ۱۷۳).

۴ - فراهانی، سفرنامه، ۳۰۰ (نسخه ترجمه شده ۲۸۶).

۵ - فراهانی، سفرنامه، ۲۵۸ (نسخه ترجمه شده ۲۴۶).

۶ - فراهانی، سفرنامه، ۲۶۱ (نسخه ترجمه شده ۲۴۹). او اشاره می‌کند که نرخ تبادلات ارزی حدود ۱۲ هزار دینار ایرانی در برابر یک دلار است.

۷ - فراهانی، سفرنامه، ۲۰۵ (نسخه ترجمه شده ۱۹۱). نویسنده اشاره می‌کند که ۱۲۰۰ نفر از راه بندرهای خلیج فارس و ۱۰۰۰ نفر از راه استانبول رفتند.

با چیزهایی هم‌چون گذرنامه، ویزا، آداب و رسوم، قرنطینه، تبادل ارز و فنون ناشناخته همگی در دسرهایی برای ایرانی‌ها به همراه داشت.

ممکن است نوآوری‌های صنعت حمل و نقل علاقه مردمان قاجار را به سفرهای زیارتی برانگیخته باشد اما این نوآوری‌ها به خصوص برای زائران متعصب مشکلات و مسائلی ایجاد می‌کرد. مثلاً پرسش‌هایی چون کجا باید لباس احرام را به تن کرد؛ تقریباً به سادگی حل می‌شدند: هنگامی که کشتی بخار از عرض جغرافیایی بگذرد باید جهت اجرای مراسم، لباس احرام را پوشید و یا آن را یک بار در کشتی و دوباره روبه‌روی حرم به تن کرد.^۱ اما برای بعضی پاسخ‌ها باید شیوه تفکر تغییرات اساسی تری می‌کرد. مثلاً فراهانی به علت شیوه‌های جدید سفر سردرگم شده بود، او می‌نویسد در قطارها و کشتی‌های بخار آب در بشکه‌هایی نگهداری می‌شد که فنجان مشتری داشت و غیرمسلمان‌ها نیز مجاز بودند از آن استفاده کنند. از این‌رو آب واقعاً آلوده بود و از نظر شرعی هم برای مسلمانان پاک نبود. هم‌چنین با توجه به جمعیت مسافران قطار و ایستگاه‌ها غیرممکن بود که تماس فیزیکی میان مسلمان‌ها و غیرمسلمان‌ها پیش نیاید و این تماس براساس فقه سنتی منبع دیگری از ناپاکی و آلودگی شرعی بود. از این‌رو باید این‌گونه استنباط می‌شد که هر کسی می‌خواهد به شدت هماهنگ با اصول مذهبی رفتار کند نه باید آبی بنوشد و نه دائماً در تماس با چیزهایی قرار بگیرد که به لحاظ شرعی ناپاک هستند.^۲

در برابر چنین مشکلات مذهبی باید مزایای این‌گونه وسایل و سفرها با توجه به اقتصاد، رفاه و کارایی‌شان سنجیده شوند. این مسئله بیان‌گر دوراهی و محذوریت تمام‌عیاری در دوران جدید بود و می‌توان در سفرنامه فراهانی مشاهده کرد که او چگونه در برخورد با مسائل آنها را توجیه می‌کند و یا دلایلی برای آنها دست و پا می‌کند. بنا به نظر فراهانی در بیست و پنج حدیث معتبر روایت شده که اگر چیز نجسی با کمی آب تماس پیدا کند به شرطی که رنگ، بو و مزه آب تغییر نکند آب هم‌چنان پاک باقی می‌ماند. البته ناگفته نماند که در بیست و شش حدیث دیگر روایت شده که آب نجس می‌شود. بنابراین اختلاف‌هایی درباره این موضوعات وجود داشت که برخورد با آنها به سلیقه مذهبی فرد برمی‌گشت و نه اجبار مذهبی.^۳ در مقایسه با پاکی یا نجسی آب، یافتن راه‌حلی جهت مسئله ناپاکی غیرمسلمان‌ها موضوع سخت‌تری بود. در این مورد نیز فراهانی به فتوای عده‌ای از علما بسنده می‌کند که غیرمسلمان‌ها را به لحاظ شرعی پاک شمرده‌اند و یا حداقل آنها را نجس اعلام نکرده‌اند. از این‌رو فرد (مسلمان) می‌تواند به هنگام ضرورت با آنها معاشرت کند به همین سبب است که نویسنده می‌نویسد: «در بلادهای فرنگی مسائل راحت‌تر حل می‌شوند».^۴

این مسئله ما را با یکی از مسائل عمیقی مواجه می‌کند که مسئله بغرنجی در حمل و نقل زائران دوره قاجار بوده است. در دوره‌های آغازین ضرورتی نداشت که زائران ایرانی از قلمرو غیرمسلمان‌ها عبور کنند.

۱- فراهانی، سفرنامه، ۲۱۰ (نسخه ترجمه شده ۱۹۶).

۲- فراهانی، سفرنامه، ۷۵ تا ۷۷ (نسخه ترجمه شده ۷۰ تا ۷۴).

۳- فراهانی، سفرنامه، ۷۵ تا ۷۷ (نسخه ترجمه شده ۷۰ تا ۷۴).

۴- فراهانی، سفرنامه، ۷۷ (نسخه ترجمه شده ۷۲).

در حقیقت آنها بی‌وقفه در محافظه‌کارترین و سنتی‌ترین مناطق جهان اسلام در حال رفت و آمد بودند. با ساخت راه‌ها و ابزارهای جدید جهت سفر، زائران از سرزمین‌های بسیاری عبور می‌کردند و با مردمانی از نژادها و زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شدند. به راستی واکنش آنها نسبت به جهانی که ما اکنون آن را به عنوان دهکده جهانی می‌شناسیم چگونه بوده است؟

بسیاری از زائران ایرانی هنگام سفر خود را از دیگر مسافران دور نگه می‌داشتند. بنابر شواهد و نوشته‌های سفرنامه‌ها متوجه می‌شویم که آنها اغلب با تعدادی از دوستان و همراهان‌شان به سفر می‌رفتند و مایل بودند تا با مهاجران ایرانی و شیعیانی هم‌منزل شوند که در کشورهای بیگانه زندگی می‌کردند. آنها خودشان دسته‌جمعی به بازدید اماکن مقدس می‌رفتند و ارتباط چندانی با غیرمسلمان‌ها یا با دیگر مسلمان‌ها برقرار نمی‌کردند اما یقیناً آنها را زیر نظر داشتند چنان‌چه احساسات‌شان را درباره آنها می‌نوشتند. فهم دقیق این مسئله سخت است که چه چیزی باعث این اظهارنظرها شده است هرچند تقریباً اکثر آنها اظهارنظرهایی کم‌مایه و سطحی هستند. البته این نظرات بسیار به شخصیت خود مسافر بستگی داشت. مثلاً سیف‌الدوله یکی از تلخ‌مزاج‌ترین این مسافران بود و به نظر نمی‌رسد هیچ احدی یا چیزی توجه او را در سفر حج برانگیخته باشد. بنابه گفته سیف‌الدوله مردمان قفقاز زشت‌چهره، سبک‌سر و بی‌بندوبارند. مردمان استانبول لذت‌طلب‌اند و چندان منضبط نیستند. مردان مصری زیادی سیاه، لاغر و بدلباس‌اند و بیماری‌های چشمی دارند. زنان مصری هم خیلی رنگ‌پریده، چاق، تنبل و بی‌نزاکت هستند. سوری‌ها خوش‌قد و بالا، پاکیزه و خوش‌لباس‌اند اما حریص هم هستند و دوستانه رفتار نمی‌کنند. اعراب حجاز خودپسند، سنگدل، بدرفتار، فحاش، طماع و ملال‌آور هستند. اما در مقابل تصدیق می‌کند که عراقی‌ها مهربانند و رفتار دوستانه‌ای دارند و می‌نویسد که مسجد شماخی (Šemaḫī) «بد نبود» که با توجه به سابقه نظرات سیف‌الدوله تعریف زیادی محسوب می‌شود.^۱ در مقابل مخبرالدوله خوش‌رو و جناب‌انابک به نظر می‌رسد که کاملاً از هم‌صحبتی با دیگر مسافران و ملاقات افراد جدید و بازدید مکان‌های تازه و مختلف لذت می‌برند.^۲

به هر تقدیر با توجه به گزارش‌ها و سفرنامه‌های بسیار آشکار می‌شود برای آنکه مسافران ایرانی در معرض اختراعات و نوآوری‌های غربی قرار بگیرند یا دچار سرگشتگی فرهنگی شوند نیازی نبوده است تا حتماً به اروپا سفر کنند. به نظر می‌رسد عبور از قفقاز برای مسافران ایرانی تجربه ناراحت‌کننده‌ای بوده است. با کشف نفت، باکو به شهری نفت‌خیز بدل شده بود و توسعه عظیم شهری باعث ایجاد حال و هوایی هم‌چون غرب وحشی در آن شهر شده بود. گزارش‌ها و یادداشت‌های مسافران ایرانی در این باره حیرت‌انگیز است. مثلاً سیف‌الدوله از دیدن جامعه‌ای مخلوط از مسلمانان و غیرمسلمانان که بدون هیچ محدودیتی درهم یکی شده‌اند، از زنانی که حجایی به چهره ندارند، کودکانی که تنبل و نافرمان‌بردارند، مردمانی که به اسم مسلمانند و در عمل از آن فاصله دارند و انواع و اقسام سارقان و شرارت‌هایی که همه

۱- سیف‌الدوله، سفرنامه، ۵۲، ۵۸، ۷۲، ۱۱۹، ۱۴۳، ۱۶۵، ۲۲۱.

۲- مخبرالدوله، سفرنامه، همه‌جا

جا شایع است به شدت ناراحت می‌شود و به میخانه‌ها و روسپی‌خانه‌های بسیاری اشاره می‌کند که در همه جای شهر یافت می‌شود اما خودش فاش نمی‌کند که چگونه به وجود این خلوت‌گاه‌های شرارت پی برده است.^۱ *فراهانی* که مقام دولتی تحصیل کرده و متعلق به طبقه متوسطی بود که به استخدام وزارت فرهنگ درآمده بود نیز آشکارا از سفر به چنین مناطقی معذب است. او می‌نویسد طی سفری سیاسی به هند، مردان انگلیسی بسیاری را ملاقات کرده بود که گرچه فریبکار و حيله‌گر بودند و رفتارشان چندان دوستانه نبود اما مؤدب بودند و رفتار محترمانه‌ای داشتند. از این رو *فراهانی* در *قفقاز* از دیدن روس‌هایی یک‌ه خورد که طبق گفته او خشن، گستاخ، شرور و بی‌رحم بودند. البته مقامات روسی ادعا می‌کردند که همه چیز منظم است اما در حقیقت این کشور به قدری بی‌قانون بود که هیچ‌کس «امنیت جانی و مالی ندارد و نمی‌تواند شبی را به آسودگی در خانه خودش سپری کند. جانیان و تبه‌کاران بسیارند و شبی نیست که چیزی سرقت نشود یا دو سه نفر در خیابان‌ها کشته نشوند». پلیس به راحتی شکایات مربوط به دزدی یا قتل را نادیده می‌گرفت. علاوه بر این *فراهانی* ادعا می‌کند که زنان و کودکان آشکارا به روسپی‌گری مشغولند، شوهران در سایه هراس از همسران و کودکان‌شان زندگی می‌کنند. چراکه اگر آنها خشمگین شوند دوباره به روسپی‌خانه‌ای فرار کرده و شوهران‌شان نمی‌توانند دم برآورند. مردم به کلی با محرمات دینی ناآشنا هستند، با گوشت خوک زنداند و «در نوشیدن شراب چنان زیاده‌روی می‌کنند که معمولاً از شدت مخموری بیهوش می‌شوند».^۲

بسیاری از مسافران که تجربه‌های ناراحت‌کننده و آزاردهنده‌ای در *قفقاز* داشتند از آنچه در *امپراتوری عثمانی* و مصر می‌گذشت هم مشوش و معذب می‌شدند. *فرهادمیرزا* که مرد فرهیخته و آداب‌دانی بود وقتی به مجلس رقصی رسمی دعوت شد و زنان متأهل یا مجردی را دید که لباس‌های بی‌شرمانه‌ای به تن داشتند و با هر کس که می‌خواستند می‌رقصیدند، سراسیمه شد.^۳ *سیف‌الدوله* نیز از این می‌نالید که *استانبول* مرکز عیاشی شده، مردم لباس‌های فرنگی می‌پوشند، هیچ‌گونه فسق و فجوری ممنوع نیست و همه جا پر از میخانه و قهوه‌خانه است.^۴ در مقابل *فراهانی* اذعان می‌کند که عثمانی‌ها بسیار مؤدب بودند اما زنان‌شان سلطه‌جو بودند. به نظر می‌رسد *فراهانی* بیشتر نگران جمهوری خواهی و سکولاریسم روبه‌رشدی بود که امکان داشت به *ایران* هم سرایت کند و جامعه و سلطنت را به قهقرا ببرد.^۵

مسافرانی که از شیوع و گسترش جوامع جمهوری خواه و سکولار در سرزمین‌های مسلمانان ابراز نگرانی می‌کردند یا از اختلاط آزادانه مسلمانان و غیرمسلمانان و از آزادی زنان خشنود نبودند در عوض در یادداشت‌ها و سفرنامه‌هایشان نسبت به مشکلات مشترکی که اکثر کشورهای مسلمان با آن روبرو بودند و برقراری ارتباط میان کشورهای مسلمان ابراز علاقه می‌کردند. یکی از بهترین نمونه‌ها هم چنان *فراهانی*

۱ - سیف‌الدوله، *سفرنامه*، ۵۲، ۵۸.

۲ - *فراهانی*، *سفرنامه*، ۶۸ تا ۷۰ (نسخه ترجمه شده ۶۵ تا ۶۶).

۳ - *فرهادمیرزا*، *ها/ایت*، تصحیح شفا، ۹۸ تا ۹۹.

۴ - سیف‌الدوله، *سفرنامه*، ۹۶ تا ۹۷.

۵ - *فراهانی*، *سفرنامه*، ۱۳۵ تا ۱۴۶ (نسخه ترجمه شده ۱۲۸ تا ۱۳۸).

است. او با گزارش اشغال مصر به دست نیروهای بریتانیایی عمل آنان را نکوهش می‌کند و به فعالیت‌های محمد احمد، مهدی سودان (*Mahdi of the Sudan*)، علاقمند شده به تاریخچه مفصلی اشاره می‌کند که توسط میرزا حبیب‌الله خان کنسول ایرانی در جدّه گردآوری شده بود.^۱ فراهانی از نزدیک با نگرش‌ها و فعالیت زائران مسلمان سنی آشنا بود و می‌نویسد با شماری از علما در حجاز بحث و گفتگو کرده است. او برای خوانندگانش توضیح می‌دهد که دیگر شیعیان در حجاز تعقیب و آزار نمی‌شوند و می‌توانند طبق آیین جعفری به اجرای مناسک حج بپردازند و اشاره می‌کند که در برخی موارد تفاوت‌های میان فرقه مالکی و جعفری ناچیز است. فراهانی به شدت از کنار گذاشتن عمل تقیه طرفداری می‌کند و از رشد و گسترش روابط نزدیک‌تر و شفاف‌تر با دیگر فرقه‌های اسلامی دفاع می‌کند.^۲ ممکن است گستره دستاوردهایی که توسط زائران حاصل شده در پذیرش افکار طرفداران اتحاد کشورهای اسلامی (Pan-Islamist) مؤثر بوده باشد که بعدها به وسیله جمال‌الدین افغانی و دیگران رشد یافت و هنوز مسئله حل نشده و جالبی باقی مانده است. خلاصه آن که می‌توان سفرنامه‌ها را هم‌چون نمودارهایی تصور کرد که آن دسته از تغییرات عمیق فرهنگی-اجتماعی را افشا می‌کنند که طی دوره قاجار اتفاق افتاده است. از این رو با استفاده صحیح از آنها می‌توان پرده از تأییراتی برداشت که این تغییرات هم بر افراد و هم بر رسوم زمانه داشته‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - فراهانی، سفرنامه، ۱۹۲ تا ۱۹۶ (نسخه ترجمه شده ۱۷۸ تا ۱۸۳).
۲ - فراهانی، سفرنامه، ۲۴۲ تا ۲۴۳ (نسخه ترجمه شده ۲۲۸ تا ۲۳۰).